

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و نقش نیروهای مسلح

دکتر سید ضیاءالدین قاضی زاده^۱

تاریخ ارائه: ۱۹/۱۰/۱۱

تاریخ تصویب: ۱۹/۱۲/۱۱

چکیده

موضوع تدوین «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» مدتی است که از سوی مقام معظم رهبری مطرح گردیده است. به نظر می‌رسد که عزمی ملی در حال شکل‌گیری است که سناری بالادستی فراتر از سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، تحت عنوان الگوی همان نقشه راهی جامع برای توسعه و پیشرفت کشور تهیه گردد. با توجه به آنکه در این الگو باید افزون‌بر بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نظام به بخش دفاع نیز توجه ویژه گردد، بنابراین نظامیان و متولیان بخش دفاع و امنیت کشور نیز باید در تعامل با این حرکت و عزم ملی قرار گرفته تا الگوی دفاعی مناسبی برای پیشرفت شکل بگیرد و همه ابعاد و ویژگی‌های مورد نظر برای طراحی «نظام دفاعی هوشمند همه‌جانبه» مورد توجه و اقدام قرار گیرد. در این مقاله با مرور مختصری بر ادبیات مربوط به مفهوم توسعه و رشد اقتصادی و پیشرفت، به بررسی مفهوم و ابعاد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت پرداخته و الزامها و ضرورت‌های الگوی مزبور را معرفی می‌نماید. همچنین با مروری بر ساختار و سلسله‌مراتب برنامه‌ریزی توسعه در ج.ا.ایران به بررسی نقش نیروهای مسلح در تدوین الگوی مزبور پرداخته و راهکارها و پیشنهادهایی نیز در انتهای مقاله ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی: الگوی اسلامی - ایرانی، پیشرفت، توسعه، نیروهای مسلح، عدالت

۱. استادیار دانشگاه امام حسین (ع)

مقدمه

تدوین الگوی - اسلامی ایرانی «پیشرفت»^۱ از ابعاد گوناگون، یک اتفاق نیک، مهم و بی‌سابقه در امر برنامه‌ریزی «توسعه»^۲ در کشور محسوب می‌شود. این نقطه عطف تاریخی در ایران اسلامی، البته پدیده‌ای نوپاست که تاکنون به آن پرداخته نشده بود و از این رو، تبیین ابعاد مختلف آن برای ایجاد درکی مشترک، هماهنگ، روشن و شفاف از موضوع ضروری است. این کار دست‌کم به ترویج ادبیات مربوط به این مباحث در فضای فکری و فرهنگی کشور می‌انجامد و مسیر اندیشه‌ورزی و تفکر سیاسی و اجتماعی برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی را به این سو، رهنمون می‌سازد. «ما باید پیشرفت را با الگوی اسلامی - ایرانی پیدا کنیم، چرا می‌گوییم اسلامی و چرا می‌گوییم ایرانی؟ اسلامی، به سبب اینکه بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان‌شناختی اسلام استوار است. چرا می‌گوییم ایرانی؟ چون فکر و ابتکار ایرانی، این را به‌دست آورده است.» این مطلب گزیده‌ای از بیانات مقام معظم رهبری در باب محوری‌ترین و مهم‌ترین مشکل امروز کشور یعنی «توسعه» و جهت‌گیری آن است. محوریت مقوله توسعه، امری نیست که فقط محدود به سطوح بالای نظام سیاسی کشور باشد؛ چرا که مقوله توسعه و مفاهیم مرتبط با آن، همواره جایگاهی کلیدی در زندگی اجتماعی بشر دارد و از این‌روست که توسعه در شکل کلی خود، مهم‌ترین عنصر دگرگون‌کننده همه عرصه‌های حیات اجتماعی جوامع از جمله جامعه ما می‌باشد. در این مقاله تلاش گردیده که با ارائه ادبیات مربوط به مفهوم «توسعه و رشد اقتصادی»، «عدالت» و «پیشرفت»، مفهوم و ابعاد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را مشخص نموده و الزام‌ها و ضرورت‌های الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را تعریف نماید. همچنین ضمن

1. Progress
2. Development

مروری بر سلسله‌مراتب برنامه‌ریزی توسعه در ج.ا.ایران به بررسی نقش نیروهای مسلح در تدوین این الگو پرداخته و در این راستا پیشنهادهایی را ارائه نماید.

۱. مفهوم و ماهیت عدالت و پیشرفت

دهه چهارم انقلاب تحت عنوان دهه پیشرفت و عدالت نامگذاری شده است و جهت‌گیری انقلاب را در این دهه بیشتر مشخص نموده است، ضمن آنکه بررسی این دو واژه که در تدوین الگوی مورد نظر نقش تعیین‌کننده دارند نیز ضروری به نظر می‌رسد. کلمه «پیشرفت» در کتاب‌های فرهنگ لغات به معنای پیش‌روی، جلو رفتن، پیروزی، ترقی، ارتقا و پیش‌رفتن معنا گردیده است (فرهنگ عمید، ۱۳۸۱: ۳۵۶) و (فرهنگ معین، ۱۳۷۱: ۹۲۵) و (Wikipedia.com).

بر اساس نگرش اسلامی در تحلیل مفهوم و ماهیت «پیشرفت» باید نکاتی را مدنظر داشت که برخی از آنها به‌طور کلی ممکن است با بینش‌های نظریه‌پردازان غربی متفاوت باشد. نکته مهم در تعیین «هدف نهایی» است که امکان دارد در بینش‌های دیگران، در چنین هدفی تفاوت وجود داشته باشد. بر فرض که صاحبان بینش‌های دیگر، به ادعای خود، ایمان هم داشته باشند، اما آن را در مباحث اجتماعی تأثیر نمی‌دهند. در نتیجه، آنان در عرصه اجتماعی، همین هدف‌های دنیوی را مدنظر قرار می‌دهند، اما مسلمانان، باید خدا و معنویات را در معادل‌های عرصه اجتماعی در نظر بگیرند و معتقد باشند که همه تحقیق‌های علمی باید به‌عنوان مقدمه و وسیله‌ای برای رسیدن به آن هدف غایی و نهایی که منظور خلقت انسان بوده است، در نظر گرفته شود. این مفهوم، موضوعی است که در طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت باید مدنظر باشد.

از میان مفاهیم «عدالت» و «پیشرفت»، مفهوم عدالت روشن‌تر است، به‌گونه‌ای که بنا به ادعای برخی، این مفهوم نه تنها احتیاجی به تعریف ندارد، بلکه امکان تعریف نیز

برای آن وجود ندارد؛ چون برای توضیح این مفهوم، مفهومی روشن‌تر نمی‌توان یافت. اما این مفهوم، با تمام وضوحش، دارای پیچیدگی‌هایی نیز هست که به دشواری می‌توان از آنها عبور کرد.

«عدل» واژه‌ای عربی است که در زبان فارسی معادل آن «داد» است، ولی خوشبختانه، واژه‌های «عدل» و «عدالت» در فارسی ناآشنا تر از واژه «داد» نیست، بلکه اگر دادودادگری معنا شود، باید آن را به «عدل» معنا کرد. اگر به موارد کاربرد لغوی واژه «عدالت» دقت شود، ریشه معنای این واژه، یک جفت از یک شیء را در حالت متعادل گویند. به عبارت دیگر، دو چیزی که حکم دو لنگه از یک جفت را دارند و بین آن دو لنگه، ارتباط تنگاتنگی برقرار باشد به گونه‌ای که همواره با هم مورد مقایسه قرار گیرند. این شیء اگر در حالتی قرار گیرد که هیچ یک از دو لنگه بر دیگری ترجیح پیدا نکند، عدل محقق می‌شود. این عدل از همین جا وام گرفته شده است. از این‌رو، هرگاه دو لنگه یک بار که روی مرکبی قرار داده می‌شد، گفته می‌شود که این دو لنگه با هم متعادلند؛ یعنی به گونه‌ای نیست که یکی سنگین‌تر باشد و فشار بیشتری وارد کند، استفاده از کلمه «عدل» هم که در زبان تجار و غیر آنها استفاده می‌شد و به‌عنوان یک واحد سنجش به کار می‌رود، به همین لحاظ بوده و می‌باشد؛ زیرا یک عدل بار، لنگه باری بود که بر روی استر و یا حیوان دیگری قرار می‌دادند. پس این واژه، در اصل، به این معناست که دو لنگه‌ای که با هم مقایسه می‌شوند، ترجیحی برای هیچ کدام بر دیگری نباشد. یکی از لوازم چنین معنایی این است که بین آنها مساوات برقرار باشد. البته ممکن است در اصل مفهوم «عدالت»، مفهوم مساوات نخواهید باشد؛ چرا که مساوات یک مفهوم کمی است که در ریاضیات به کار می‌رود. حال آنکه عدالت، یک مفهوم ریاضی نیست. در هر حال، هرگاه دو چیز با هم مقایسه گردند و هیچ کدام سنگین‌تر از دیگری نباشد و بر دیگری غالب نگردد، همین امر می‌تواند منشأ انتزاع مفهوم مساوات شود. از این‌رو در بسیاری از موارد عدالت را به برابری و مساوات

ترجمه می‌کنند (شبان‌نیا، بهار و تابستان ۱۳۸۹: ۹). همان‌گونه که در مفاهیم اسلامی، مفهوم «العدل؛ ایتاء کُلِّ ذی حقِّ حَقَّهُ» (دادن حق به حق‌دار) که لزوماً به مفهوم برابری نیست، آمده است.

۲. مفهوم توسعه و رشد اقتصادی

کلمه «توسعه» در کتاب‌های فرهنگ لغات به معنای فراخی، گشادگی، گشادکردن و فرخ‌کردن معنا شده است (فرهنگ عمید، ۱۳۸۱: ۴۳۳) و (فرهنگ معین، ۱۳۷۱: ۱۱۶۵) و (Wikipedia.com).

در ادبیات اقتصادی و سیاسی امروز جهان عبارت «توسعه اقتصادی» مکرر شنیده می‌شود؛ پدیده‌ای که فقط اقتصادی به‌شمار نمی‌آید و با وجود آنکه همه از مفهوم آن تصویری کم و بیش نزدیک به واقعیت در ذهن دارند، اما معنای دقیق آن و تفاوت‌هایش با رشد اقتصادی برای همه روشن نیست. گفتنی است که برنامه‌ریزی توسعه در جهان سوم همچنان به نفع‌نخبگان است. بخش عمده‌ای از فعالیت توسعه به نفع اقلیت متمکن کوچکی سنگینی می‌کند. هدف‌ها و فرایندهای برنامه‌ریزی، تقلیدی و برونزا و بنابراین فاقد جهت‌گیری صحیح است (دیوب،^۱ ۱۳۸۶: ۱۱۳).

شکاف بین وعده و عمل‌نوسازی و توسعه، در سه دهه گذشته، ناامیدی شدیدی را دامن زده که به نوبه خود به درون‌نگری و خودیابی منجر شده است؛ در عین حال، هنوز رهیافت مناسب و پایداری به چشم نمی‌خورد. نظریه توسعه به مجموعه‌ای نامتسجم از رهیافت‌های مخالف هم تبدیل شده و تنوع و گوناگونی موقعیت‌های جهان سوم نیز علوم اجتماعی و از جمله مباحث توسعه را به چالش کشیده است (دیوب، ۱۳۸۶: ۱۸-۱۷).

توسعه اقتصادی به افزایش سطح زندگی یک ملت و تبدیل یک اقتصاد با درآمد سرانه کم به اقتصادی با درآمد سرانه بالا اطلاق می‌شود. این فرایند شامل سیاست‌هایی

1. Shyama Charan Dube

است که به وسیله آن، ملتی اوضاع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و رفاهی خود را ارتقا داده و مترقی‌تر ببیند. مایکل تودارو، یکی از صاحب‌نظران علم اقتصاد توسعه معتقد است که توسعه، جریان چندبُعدی و به‌معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظم اجتماعی به‌سوی زندگی بهتر و انسانی‌تر است (تودارو، ۱۳۶۹: ۲۳).

بخش توسعه بین‌المللی دانشگاه لووا^۱ در بیان مفهوم توسعه این چنین عنوان می‌کند:

«توسعه اقتصادی یا توسعه، عبارتی است که در قرن بیستم، اقتصاددانان، سیاستمداران

و... بارها از آن استفاده کرده‌اند. هر چند این مفهوم، برای قرن‌های متمادی در غرب وجود

داشته است» (معروفی، ۱۳۸۹: ۲۴).

توسعه اقتصادی مربوط به پیشرفت همزمان فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و فناوری در یک جامعه است. پیامد این امر باید تغییر در روش تولید کالاها و نحوه ارائه خدمات باشد، نه اینکه افزایش در تولید یا استفاده از همان فناوری‌ها و روش‌های قدیمی، اما رشد اقتصادی فقط به افزایش مقداری (کمی) در محصول گفته می‌شود، بنابراین هم ممکن است به مفهوم توسعه اقتصادی باشد و هم ممکن است نباشد.

رشد اقتصادی اغلب به‌وسیله تغییر در نرخ تولید ناخالص داخلی محاسبه می‌شود (درصد افزایش تولید ناخالص داخلی^۲ در سال)؛ تولید ناخالص داخلی، مجموع ارزش افزوده فعالیت‌های بخش‌های مختلف یک نظام اقتصادی در محدوده مرزهای جغرافیایی یک کشور است. توسعه اقتصادی شامل پیشرفت و بهبود در شاخص‌های مختلفی مانند نرخ باسوادی، امید به زندگی و نرخ فقر است، ولی در محاسبه تولید ناخالص داخلی، عوامل مهمی مانند اوقات فراغت، محیط زیست، آزادی و عدالت اجتماعی به حساب نمی‌آیند. توسعه اقتصادی یک کشور به رشد، پیشرفت و توسعه انسانی که شامل رشد در تغذیه، بهداشت، درمان، آموزش و تحصیلات افراد است نیز مربوط می‌شود.

1. Iowa
2. Gross Domestic Product

البته همیشه این پرسش مطرح بوده است که آیا رشد باعث توسعه می‌شود؟ نظریه پردازان مرتبط در این زمینه معتقدند که کشورهای فقیر، رشد اقتصادی را بدون توسعه اقتصادی (یا با مقدار ناچیزی از آن) تجربه کرده‌اند. برای مثال آنها به‌عنوان تأمین‌کننده نهاده‌های تولید مورد نیاز کشورهای ثروتمند صنعتی عمل می‌کنند، اما استدلال دیگری هم در این زمینه می‌توان ارائه داد. به این ترتیب که رشد به‌طور قطع موجب توسعه می‌شود؛ زیرا قسمتی از افزایش درآمد ناشی از رشد، خرج تحصیلات و بهداشت خواهد شد. براساس مطالعات رانیس در سال ۲۰۰۰ ارتباط رشد و توسعه اقتصادی دوطرفه است. وی معتقد است حلقه اول در این زنجیره، رشد اقتصادی (افزایش در تولید ناخالص ملی) است که منجر به توسعه انسانی می‌شود. برای مثال افزایش در تولید ناخالص ملی، از راه افزایش هزینه‌ها از سوی خانواده‌ها، دولت و سازمان‌های غیردولتی منجر به افزایش توسعه انسانی می‌شود. همزمان با افزایش رشد اقتصادی، خانواده‌ها و افراد به تناسب، هزینه‌های خود را با افزایش درآمد، افزایش خواهند داد که این، موجب بهبود و توسعه انسانی (بهبود در رفاه، تحصیلات و بهداشت) می‌شود (معروفی، ۱۳۸۹: ۲۴).

باید تأکید شود که هر تعریفی از توسعه در نهایت، تعریف فلسفی پیشرفت را در پس‌زمینه خود دارد. مفهوم توسعه در معنای ساده و روان خود به‌معنای «گذار از وضعیتی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نامطلوب به وضعیتی مطلوب‌تر است که در آن، انسان، شادمان‌تر است و توانایی بیشتری در کنترل سرنوشت و زندگی خود دارد (کلمن و نیکسون، ۱۳۷۸: ۲۱).

مفهوم توسعه با وجود گستردگی کاربرد لفظ آن در زبان روزمره و تخصصی، به هیچ‌وجه مفهومی واضح نیست. این ابهام مفهومی، ناشی از آن است که توسعه با مفاهیم گوناگون مرتبط است که بنابر سرشت علوم اجتماعی، معنایی عینی و مورد قبول همگان از آن متصور نیست. بنابراین مفهوم توسعه هنوز محل نزاع و مجادله است. به

قول ولفگانگ زاکس^۱ کلمه توسعه را نمی‌توان از دوران ماقبل به عاریت گرفت. فقدان این مفهوم محوری انسان امروز در کلام قدما، ناشی از نگرش و جهان‌بینی آنهاست که به حرکتی سازمان‌یافته در جهت دگرگونی وضعیت در راستای بهبود وضعیت بشری قائل نبودند؛ در حالی که انسان جامعه نوین، موجودی جست‌وجوگر و در پی بهبود وضعیت زیستی خود است. این تفاوت موجب می‌گردد که ادعا شود که لفظ توسعه، از دل مفهوم فلسفی دیگری نشئت گرفته است که تا مدت‌ها، فقط در متون فلسفی جای داشت و آن، مفهوم «پیشرفت» است. مفهوم پیشرفت، عنصر محوری فلسفه تاریخ نوین است که براساس آن، نگرش نوین با نفی الگوی ایستای دیدگاه سنتی در باب تاریخ، معتقد است که انسان عامل و سازنده جهان است و از راه افزایش دانش خود، موفق به واپایش (کنترل) جهان، زندگی و طبیعت اطراف می‌شود و آن را در جهت هدف‌های خود شکل می‌دهد و از این راه، از یک وضعیت نابالغی و ناآگاهی، به سوی وضعیت بلوغ و آگاهی «پیشرفت» می‌کند. بنابراین همان‌گونه که قالیباف نیز مطرح کرده (قالیباف، بهار ۱۳۸۹: ۲۱) مفهوم پیشرفت «به‌معنای گذار انسان و جامعه او از یک وضعیت زیستی و اجتماعی به مرحله‌ای دیگر است که به‌لحاظ معیارهایی خاص، «پیشرفته‌تر» از مرحله پیشین خواهد بود و شاخص‌های زندگی وی از ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی توسعه و رشد یافته است و انسان خداگونه و جامعه نیز جامعه‌ای توحیدی شود».

۳. انواع توسعه و ویژگی‌های توسعه‌یافتگی و جوامع توسعه‌نیافته

از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران، توسعه در معنای کلی، به تحول در چهار

زیرمجموعه اشاره دارد که عبارتند از (ازکیا، ۱۳۷۷: ۲۱-۱۸):

1. Wolfagang Zax

(۱) توسعه اجتماعی؛

(۲) توسعه اقتصادی؛

(۳) توسعه سیاسی؛

(۴) توسعه فرهنگی.

به دلیل اهمیتی که امور دفاعی و نظامی در هر کشور و توسعه و پیشرفت آن دارد، باید توسعه دفاعی و نظامی را هم به عنوان رکن پنجم توسعه کشورها مدنظر قرار داد. این تقسیم بندی، نشان دهنده نگرش نظام مند جامعه شناسان، به مقوله توسعه است. در این تحلیل، جامعه، نظامی از روابط متقابل میان زیرنظام هایی است که کارکردهایی ویژه را در کلیت نظام انجام می دهند و امکان تداوم حیات جامعه را فراهم می آورند. این زیرنظام ها (خرده نظام ها) عبارت از نظام اجتماعی، نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام فرهنگی و نظام دفاعی هستند.

پژوهشگران توسعه تلاش کرده اند تا توسعه را بر حسب ویژگی های جوامعی خاص تشریح کنند؛ جوامعی که به آنها، عنوان «توسعه یافته» داده اند. این کار بر حسب تمایز دادن این گروه از جوامع از جوامع دیگری انجام می شود که به آنها، عنوان «توسعه نیافته» داده اند. جامعه شناسان و اقتصاددانان برای هر یک از این «نمونه های آرمانی» جامعه، ویژگی هایی را بازشناسی و تعریف کرده اند که ویژگی های جامعه نوین و توسعه یافته از نظر برخی صاحب نظران غربی عبارتند از (کلمن و نیکسون، ۱۳۷۸: ۴۱-۲۲):

(۱) تقسیم کار فزاینده اجتماعی؛

(۲) غلبه روابط اقتصادی مبتنی بر سود و پول؛

(۳) همبستگی مبتنی بر قرارداد؛

(۴) فرهنگ عقلانی و مبتنی بر علم و انتقاد؛

(۵) گستردگی روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با دنیای بیرون؛

(۶) حرفه ای شدن انجام فعالیت ها؛

- (۷) تخصصی شدن حوزه‌ها؛
- (۸) تحرک اجتماعی بالا؛
- (۹) شهرنشینی؛
- (۱۰) افزایش توانایی انسان در نظارت بر محیط زندگی خود؛
- (۱۱) افزایش پیش‌بینی‌پذیری زندگی؛
- (۱۲) اهمیت‌یابی آموزش؛
- (۱۳) روابط مبتنی بر شایسته‌سالاری و گسست از الگوها و تعلقات خویشاوندی؛
- (۱۴) در هم شکستن سلسله‌مراتب خونی و نژادی و به‌وجود آمدن برابری؛
- (۱۵) اقتصاد مبتنی بر تولید صنعتی و فناوری؛
- (۱۶) تولید انبوه؛
- (۱۷) در هم شکستن روابط پدرسالاری؛
- (۱۸) مشارکت اجتماعی و سیاسی آحاد مردم و شکل گرفتن دموکراسی اجتماعی و سیاسی.

گفته می‌شود که توسعه و دگرگونی در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی (دفاعی) همزمان رخ می‌دهد. هر چند ممکن است که تغییرات از اقتصاد آغاز شود ولی با سرعت تمام به سایر حوزه‌های دیگر نیز تسری یابد و آنها را تحت تأثیر قرار دهد. توسعه، روندی بی‌پایان شناخته می‌شود و هر یک از جوامع بر حسب داشتن درصدی بالاتر از شاخص‌های فوق، «در حال توسعه» شناخته می‌شوند. بنابراین نمی‌توان ادعا نمود که جامعه توسعه‌یافته کاملی وجود دارد، بلکه همه جوامع «در حال توسعه» و در مسیر توسعه هستند، ولی سطح توسعه در جوامع مختلف، متفاوت است.

مهم‌ترین دغدغه جوامع در دوران گذار توسعه با چارچوب‌های عینیت‌یافته در پرتو تحولات و دگرگونی‌ها، حفظ هویت فرهنگی خود و جلوگیری از تداخل ارزش‌های

نامتجانس با جامعه خود است. به عبارت دیگر، حفظ ارزش‌های دینی و ملی در جریان توسعه بسیار اهمیت دارد، به گونه‌ای که به تأثیرگذارترین وجه انتقادی توسعه در جوامع مختلف تبدیل شده است. این مسئله آنقدر اهمیت دارد که مفاهیمی مانند آسایش و آرامش در جریان توسعه را به چالش کشیده است. در همین چارچوب، پرسش محوری این است که آیا توسعه و پیشرفت و افزایش «آسایش»، با خود «آرامش» را هم به همراه می‌آورد؟ یا اینکه آرامش به پیش‌شرط‌های دیگری نیز وابسته است؟

اما جامعه توسعه‌نیافته، جامعه‌ای است که شاخص‌های جامعه توسعه‌یافته را در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ندارد. توسعه‌نیافتگی، مرحله‌ای است که با وضعیت جامعه سنتی قرین است و مرحله‌ای بوده است که جوامع توسعه‌یافته امروزی، خیزش و توسعه خود را از آن آغاز نموده‌اند.

به نظر بعضی از صاحب‌نظران، برخی از ویژگی‌های جوامع توسعه‌نیافته و یا کمتر توسعه‌یافته را می‌توان موارد زیر برشمرد (ازکیا، ۱۳۷۷: ۱۱۶-۱۱۵):

(۱) به‌لحاظ شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی توسعه، کشورهای

در حال توسعه در سلسله‌مراتب جهانی جایگاه مطلوبی ندارند؛

(۲) کشور توسعه‌نیافته یا «کمتر توسعه‌یافته» امروزی، کشوری است که به‌لحاظ

اجتماعی در آن گسست کاملی از صورت‌بندی اجتماعی سنتی ایجاد نشده، در

عین آنکه صورت‌بندی اجتماعی طبقاتی مبتنی بر روابط سرمایه‌داری هم در آن

تحقق نیافته است؛

(۳) در این ساخت اجتماعی، روابط اجتماعی و خانوادگی سنتی و نوین در کنار هم

همزیستی دارند؛

(۴) تقسیم کار اجتماعی به‌شکلی ناقص انجام شده است و در کنار نهادهای جدید،

نهادهای سنتی نیز به حیات نیرومند خود ادامه می‌دهند؛

- (۵) روابط اقتصادی در حالتی از تنازع میان الگوهای معیشتی، صنعتی و خدماتی در سیلان است و گرچه روابط اقتصادی تغییر یافته، این تغییر اغلب در جهت استخراج منابع خدادادی و متناسب با نیازهای بازار جهانی بوده است؛
- (۶) روابط حرفه‌ای و غیرشخصی در کنار روابط شخصی و فامیلی در نهادهای گوناگون اجتماعی به همزیستی ادامه می‌دهند و در عمل فساد و فقدان بهره‌وری در تمام نظام اجتماعی، طبیعی جلوه می‌کند؛
- (۷) در این جامعه، دولت - ملت شکل نگرفته است و شکل دولت، محل مناقشه جدی ادعاها و گروه‌های اجتماعی گوناگون است؛
- (۸) در این جامعه، مشارکت اجتماعی، بر حسب تخریب اساس اجتماعی رخ می‌دهد؛
- (۹) الگوهای فرهنگی سنتی و نوین، عقلانیت، در کنار رسوم و سنت‌ها، علم در کنار غیرعلم، در حال موازنه‌ای ویرانگر به حیات خود ادامه می‌دهند؛
- (۱۰) در حالی که ورود نسبی تجدد باعث بهبود کیفیت زندگی، رشد بهداشت و آموزش شده است، این جوامع رشد فزاینده‌ای در جمعیت و کاهش مرگ و میر دارند و این باعث شده است که این جوامع با بحران‌هایی فراوان روبه‌رو باشند؛
- (۱۱) در حالی که شهرنشینی رخ داده، اغلب سرشتی بیمارگونه داشته است. ویژگی‌ها و شرایط این جوامع، به لحاظ معیارهای توسعه در ابعاد گوناگون، در برخی موارد شرایطی فاجعه‌بار است که این شرایط عبارتند از:
- (۱) سطح پایین درآمد سرانه ملی؛
 - (۲) تولید ناخالص ملی پایین؛
 - (۳) میزان بالای نرخ بیکاری؛
 - (۴) گستردگی فقر و محرومیت؛
 - (۵) سطح اندک امید به آینده؛
 - (۶) ضعف توانمندی و مهارت‌های زندگی مردم؛

- (۷) افول فزاینده کیفیت زندگی در حیطه‌های بهداشتی و آموزشی؛
- (۸) اتکای فزاینده به صدور مواد زیرزمینی و نیاز به وارد کردن مصنوعات صنعتی؛
- (۹) بی‌ثباتی سیاسی و وقوع کودتاها و شورش‌های گوناگون؛
- (۱۰) ضعف جامعه مدنی و اعمال اقتدارگرایانه قدرت؛
- (۱۱) سطح بالای فساد اقتصادی و سیاسی؛
- (۱۲) آمارهای فزاینده جرایم؛
- (۱۳) مهاجرت از روستاها به شهرها؛
- (۱۴) وجود همه مناسبات پیرامونی در این جوامع (ازکیا، ۱۳۷۷: ۱۱۶-۱۱۵).
- در انتهای این بخش، می‌توان با بهره‌گیری از تعریفی که مرحوم حسین عظیمی کارشناس برجسته برنامه‌ریزی و توسعه کشورمان ارائه نموده است، توسعه و پیشرفت را این‌گونه تعریف نمود که:
- «توسعه و پیشرفت عبارت است از احیا و بازسازی کامل یک جامعه، به‌ویژه از دیدگاه ایجاد نهادهای تازه‌ای که متناسب با بصیرت و اندیشه‌های مهم جدید باشند» (عظیمی آرانی، ۱۳۸۳: ۴۵).

در جریان این نوسازی، احیا و بازسازی و این نهادسازی جدید، تمدنی تازه شکل گرفته و ایجاد می‌شود و نتیجه حاصله، جامعه‌ای پیشرفته و توسعه‌یافته است. پس اگر کشوری کمتر توسعه‌یافته باشد، به این معنی است که این کشور نتوانسته به اندازه کفایت، نهادهای اصلی زندگی خود را متناسب با اندیشه و بصیرت عصر خود نماید (عظیمی آرانی، ۱۳۸۳: ۴۵).

۴. شرایط لازم برای قرار گرفتن در مسیر توسعه و پیشرفت

اگر واقع‌بینانه در ابعاد توسعه جامعه ایرانی نگریند، درک وضعیت بسیار پیچیده امروز به هیچ وجه مشکل نخواهد بود و می‌توان مشکلات جامعه را در چهار گروه زیر دسته‌بندی نمود:

(۱) معضل‌های فرهنگی؛

(۲) معضل‌های اجتماعی؛

(۳) معضل‌های اقتصادی؛

(۴) معضل‌های سیاسی.

بنابراین پیش‌شرط‌های موفقیت در مسیر توسعه و پیشرفت، می‌تواند طیف وسیعی از متغیرها را شامل شود ولی می‌توان آنها را با بهره‌گیری از نظرات محمداقبر قالیباف در موارد زیر خلاصه نمود (قالیباف، بهار ۱۳۸۹: ۲۴۰-۲۱۴):

(۱) وجود ثبات و امنیت؛

(۲) وجود سرمایه انسانی آموزش‌دیده، فعال و توانمند؛

(۳) وجود فرهنگ شوق توسعه و پویایی تولید علمی؛

(۴) وجود پیش‌شرط‌های اجتماعی تحقق روند توسعه؛

(۵) نظام حقوقی کارآمد و احترام به حقوق مالکیت معنوی؛

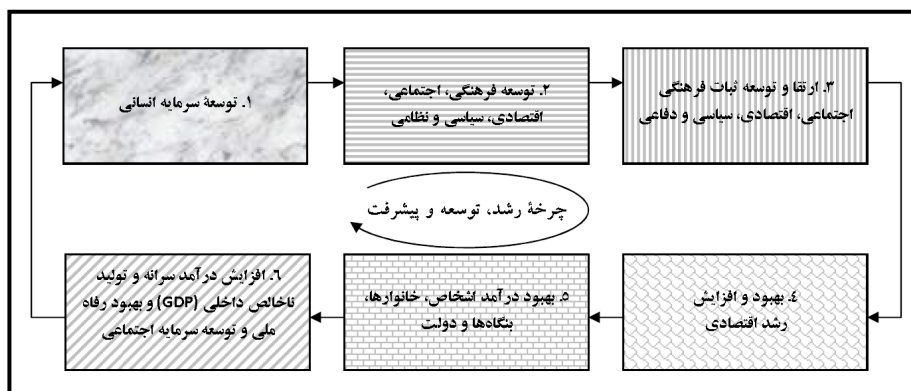
(۶) دسترسی به منابع مالی گسترده و پایدار؛

(۷) وجود شبکه‌ای از سازمان‌های مستقل و در عین حال همکار دولت؛

(۸) استفاده از فناوری‌ها و روش‌های نوین در تولید، توزیع و مصرف؛

(۹) احترام به حقوق متقابل یکدیگر.

به این ترتیب در صورتی که یک جامعه بخواهد در مسیر رشد، توسعه و پیشرفت مناسب و متوازن قرار گیرد باید چرخه نشان داده شده در نمودار شماره (۱) را فعال نماید.



نمودار شماره ۱. چرخه رشد، توسعه و پیشرفت در یک جامعه

۵. مفهوم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

نگارنده معتقد است که الگوی پیشرفت همان «برنامه‌ریزی بلندمدت» برای یک دوره ۵۰ تا ۱۰۰ ساله است؛ چرا که برنامه‌ریزی عبارت است از «یک جریان آگاهانه انتخاب و تعیین اولویت‌ها به منظور تصمیم‌گیری در مورد آوردن آینده به زمان حال، تا بتوان با تعیین هدف‌های درست و انتخاب مسیر مناسب و تعیین فعالیت‌های اثربخش جهت تحقق هدف‌های یادشده، کاری برای آن انجام داد. برنامه‌ریزی چیزی نیست جز شناخت دقیق و صحیح وضع موجود در تعیین فرایند رسیدن به وضع مطلوب که در آن باید تعیین کرد چه فعالیتی و کاری؟ چگونه و با چه روشی؟ از سوی چه کسی یا سازمانی؟ با کمک چه کسانی یا سازمان‌هایی؟ در کجا؟ در چه زمانی؟ با چه هزینه‌ای؟ و با چه وسایل و ابزار و منابعی؟ انجام شود تا از وضع موجود به وضع مطلوب آینده دست یافت (قاضی‌زاده، بهار ۱۳۸۸: ۷).

همچنین باید مفهوم پیشرفت را مستقل از توسعه در غرب دانست. توسعه غربی یک نگاه فقط مادی به توسعه نوین در زندگی است. به عبارت دیگر، توسعه،

مفهومی است که در بستر نوگرایی به عنوان یک نظام فکری و یک اندیشه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شکل گرفته که با اقلیم فرهنگی غرب پیوند خورده است و در سه حوزه «پیش فرض»، «هدف‌ها» و «نظام» با ارزش‌های اسلامی فاصله و تناقض دارد. در پیش فرض‌های توسعه غرب، انسان تنها از بُعد مادی برخوردار است و خوشبختی خود را تنها در همین دنیا دنبال می‌کند، از این رو هدف رسیدن به سود و لذت بیشتر، با هر وسیله‌ای توجیه می‌شود.

اینکه چرا واژه پیشرفت به جای واژه توسعه به کار برده می‌شود، نیز خود جای بررسی دارد. دکتر افروغ معتقد است «اینکه ما کلمه پیشرفت را به کار می‌بریم، دقیق‌تر است تا توسعه، توسعه امتحان خود را پس داده و از ابتدایی که در قالب الگوها، نظریه‌ها و رویکردها مطرح شده، با وجود اینکه اجماعی هم وجود نداشته، اما یک مضمون اقتصادی و تجربه‌گرایانه خاص داشته است توسعه، پیشرفت نیست، یعنی به فرض آنکه رشد اقتصادی کمی هم ایجاد شد و از وضع موجود خارج شدیم و به اصطلاح امکانات، مزایا و بهره‌مندای‌های اقتصادی بیشتر شد، اما این به معنای این نیست که ما یک زندگی امن‌تر، با نشاط‌تر و با معنا داریم. چه کسی می‌تواند بگوید که انسانی که در کلانشهری به نام تهران زندگی می‌کند راحت‌تر، امن‌تر و خودآگاه‌تر و آسوده‌خاطرتر از انسانی است که در روستا زندگی می‌کند؟» (افروغ، ۱۳۸۹/۱۲/۸: ۱۱)

در مورد تبیین مفهوم اجزای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دکتر حداد عادل می‌گوید: در «اسلامی بودن» نظر به «آرمان‌ها» داریم و در «ایرانی بودن»، بیشتر نظر به «واقعیت‌ها». «اسلامی بودن» الگوی توسعه، آن را به اصولی قرآنی و اسلامی مقید و مشروط می‌سازد، اما مراد ما از «ایرانی بودن» الگوی توسعه این است که «ایران» ظرف این «توسعه» است و میان ظرف و مظلوف باید تناسبی برقرار باشد (حداد عادل، ۱۳۸۹). توضیح آنکه ایران کشوری است با تاریخی کهن و فرهنگی غنی و متنوع، صاحب

سرزمینی پهناور و با ذخایر طبیعی گوناگون، قرار گرفته در موقعیتی سیاسی - جغرافیایی حساس در جهان، دارای جمعیتی جوان و با استعداد و مردمی نوع دوست، وطن دوست و فداکار، با اقوام و مذاهب مختلف و خرده فرهنگ‌های گوناگون و اقلیم و محیط زیستی که باید دقیقاً در حفظ و سلامت آن کوشید. همچنین از آنجا که فکر ایرانی این الگو را تهیه می‌کند، این الگو برخاسته از اندیشه‌ها، فلسفه و مبانی نظری اسلامی است که می‌تواند و باید با تاریخ و جغرافیای ما سازگار باشد (نویشت، ۸۹/۱۰/۲۶: ۷). اینها و بسیاری دیگر از اموری که به ایران تعلق دارد، همه و همه از اموری است که باید در الگوی توسعه در کنار وصف اسلامی بودن که به همه ملل مسلمان تعلق دارد، مورد توجه دقیق قرار گیرد. همچنین ایرانی بودن الگوی پیشرفت به این معناست که به مزیت‌ها، تنگناها، تهدیدها و فرصت‌هایی که در کشور ما وجود دارد، باید توجه ویژه گردد و عامل زمان و شرایط امروز کشور نیز در نظر گرفته شود.

پیش‌بینی می‌شود که الگویی که با عنوان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت طراحی می‌شود هم تفاوت‌هایی با الگوهای غربی و هم اشتراکاتی با آن دارد. نه می‌توان یک الگویی به‌طور کامل مستقل و مجزا از تجربه کنونی بشر طراحی نمود و نه ضرورت دارد که این امر محقق شود، بلکه باید در این الگو به ارزش‌های اخلاقی، معنوی، الهی و ملی ایرانیان بهای بیشتری داد.

۶. الزام‌ها و ضرورت‌های الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

الگوی توسعه ایرانی - اسلامی، اندیشه جدیدی است که در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها تکرار شده است. برای درک ابعاد این فکر، ناگزیر از رجوع به اسناد بالادستی از جمله قانون اساسی و بیانات امام راحل (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی و شناخت آرمان‌ها و هدف‌های نهایی ترسیم شده در این منابع باید بود.

آرمان‌ها و هدف‌های نهایی از اساسی‌ترین عناصر هر نظام اقتصادی، و الگوی اقتصاد ملی (به معنای شاخص‌ها، ویژگی‌ها و چارچوب خاص حاکم بر اقتصاد) بستر دستیابی به آن هدف‌هاست (سیف، شهریور ۱۳۸۹: ۷۳).

در مقدمه قانون اساسی این مهم تأکید شده که اقتصاد وسیله است نه هدف و فراهم کردن امکانات لازم برای تشکیل خانواده و تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری به منظور استمرار حرکت تکاملی او برعهده حکومت اسلامی است.

در اصل سوم قانون اساسی، هدف‌هایی از قبیل طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب، محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی به منظور ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه و تأمین خودکفایی مورد تأکید قرار گرفته است.

براساس اصل ۲۸ قانون اساسی، دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل ایجاد کند. در اصل ۲۹، برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی به شکل بیمه و غیره حتی همگانی است. در اصول ۳۰، ۳۱ و ۴۳ و سایر اصول به موارد مشابهی استناد شده است (قانون اساسی ج.۱، ایران، ۱۳۷۷).

در نظرات حضرت امام خمینی (ره) بنیانگذار ج.ا.ایران، رویارویی جدی با دو فرهنگ ظالمانه و منحط اقتصادی شرق و غرب و مبارزه با سیاست‌های اقتصادی سرمایه‌داری و اشتراکی، که در عمل، بردگی جدیدی بر همه ملت‌ها تحمیل کرده و حق تصمیم‌گیری در مسائل اقتصادی جهان را از آنان سلب، و اکثریت قریب به

اتفاق گرسنگان را در حسرت یک لقمه نان و گروهی اندک را به پُرخوری و اسراف رسانیده مورد تأکید قرار گرفته است (امام خمینی، ۶ مرداد ۱۳۶۶، پیام براثت).

از نظر امام راحل (ره) این به عهده علمای اسلام و پژوهشگران و کارشناسان اسلامی است که برای جایگزین کردن نظام ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرح‌ها و برنامه‌های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومان و پابرنه‌ها را ارائه کنند و ارائه طرح‌ها و تبیین جهت‌گیری اقتصاد اسلامی در راستای حفظ منافع محرومان و مبارزه با زراندوزان را بزرگ‌ترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی می‌دانند و همه آرمان و آرزوی خود، ملت و دولت را روزی می‌دانند که فقر و تهیدستی از جامعه رخت بر بندد و مردم از رفاه مناسب و زندگی مادی و معنوی مطلوبی برخوردار باشند.

با توجه به این هدف‌ها و آرمان‌ها می‌توان الزام‌ها و ضرورت‌های الگوی توسعه اسلامی - ایرانی را به شرح زیر برشمرد:

(۱) «اسلام» و «معنویت»، و اتکا بر مبانی اعتقادی، ارزش‌ها و اصول دین مبین اسلام، هم در ناحیه پیش‌فرض‌ها و هم در ناحیه هدف‌هایی که برای این الگو باید تعیین شود، از الزام‌های مهم در طراحی این الگو است. نظام جمهوری اسلامی در رسیدن به همه هدف‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی همچون زدودن فقر، ایجاد رفاه و اجرای عدالت، نباید از چارچوب ارزش‌های اخلاقی، خارج شود؛ زیرا تحقق این ارزش‌ها همراه با پیاده شدن اقتصاد اسلامی از هدف‌های والای قرآن و مکتب اسلام است. این از هدف‌هایی است که هم افراد باید مراعات کنند و هم دولت باید در تحقق آن بکوشد و در طراحی الگو، مورد نظر طراحان آن قرار گیرد.

(۲) برای تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت باید تعریف جدیدی از «هستی» و «انسان» و رابطه او با «طبیعت» و «جامعه» داشت تا در مرحله اجرای الگو،

انسان‌ها ملزم به رعایت ارزش‌های الهی و انسانی باشند؛ به گونه‌ای که در تعامل با افراد جامعه و طبیعت، فقط نفع شخصی، سودطلبی، خودخواهی و سوداگری را مدنظر قرار ندهند و نفع دیگران و جامعه و بهره‌گیری متعادل، متناسب و متوازن از مواهب الهی که در طبیعت به ودیعه گذاشته شده است، ملاک تصمیم‌گیری‌ها و اقدام‌های آحاد جامعه باشد.

(۳) در حوزه «سیاست‌گذاری» به مدد رهنمودها و راهبردهای اعلامی از سوی مقام معظم رهبری، «سیاست‌های کلی اصل ۴۴» ابلاغ شده و در حال اجراست که با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت همسو است و رسیدن به آن را هموار می‌کند. همچنین چشم‌انداز ۲۰ ساله برای ایران ۱۴۰۴ و سیاست‌های کلی نظام و سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و سیاست‌های ابلاغی در مورد اصلاح الگوی مصرف، مسکن و ایثارگران، پدافند غیرعامل و... نیز زمینه‌ساز تولید فکر برای رسیدن به الگوی مورد نظر است. همچنین برنامه‌های طرح تحول اقتصادی و به‌ویژه طرح هدفمندسازی یارانه‌ها که از سوی دولت در حال طراحی و اجراست، ضرورت مهم دیگری برای سامان دادن اقتصاد کشور در راستای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است.

(۴) لازمه دیگر طراحی الگوی مورد نظر، «گسترش نهضت نرم‌افزاری و تولید علم» است که این مهم در حوزه علوم تجربی و ریاضی با موفقیت در حال اجرا می‌باشد. پژوهش در حوزه علوم طبیعی و تجربی دستاوردهایی مانند دستیابی به دانش نانو فناوری، فناوری هسته‌ای، فناوری هوا و فضا و زیست‌فناوری برای کشور داشته است، اما این روند باید در حوزه علوم انسانی هم توسعه یابد؛ چرا که هر الگوی پیشرفتی و امदार علوم انسانی است و نتیجه توانمندی این علوم در طراحی الگو و برنامه‌های توسعه ظاهر می‌شود. به همین دلیل به میزانی که توفیق و تحول در علوم اجتماعی و انسانی پیدا شود،

می‌توان به الگوی توسعه اسلامی - ایرانی مناسب‌تری دست یافت. البته رابطه متقابلی هم وجود دارد؛ یعنی وقتی الگوی توسعه اسلامی - ایرانی پایه‌ریزی شود و توسعه کشور براساس آن واقع شود، این توسعه بستر ساز توسعه علوم هم خواهد بود.

(۵) درک مناسب از محیط بین‌الملل و «تعاملات متوازن با کشورهای دیگر» در چارچوب اصول عزت، حکمت و مصلحت نیز از دیگر الزام‌های این الگو می‌باشد. در اقتصاد اسلامی، به حفظ حاکمیت سیاسی اسلام در روابط با بیگانگان توصیه شده است؛ زیرا در روابط خارجی، مناسبات اقتصادی و سیاسی بسیار به هم پیوسته‌اند. هم‌اکنون وابستگی سیاسی بسیاری از کشورهای جهان سوم در اثر وابستگی اقتصادی آنهاست، به این سبب یکی از هدف‌های اقتصاد اسلامی، حفظ حاکمیت سیاسی اسلام است و این مهم باید در الگویی که طراحی می‌شود، به‌طور کامل مدنظر قرار گیرد.

(۶) «عدالت اجتماعی» در بُعد اقتصادی از نظر اسلام با تأمین زندگی متوسط اقتصادی - اجتماعی برای همه مردم به‌ویژه مستضعفان و فقرا و جلوگیری از انباشته شدن بیش از حد ثروت در دست اغنیا تحقق می‌یابد. نهادینه شدن جریان عدالت از طریق الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی اتفاق می‌افتد. عدالت افزون‌بر اینکه ضرورت اساسی الگوی یادشده است، نتیجه آن هم محسوب می‌شود.

(۷) «خودکفایی و اقتدار اقتصادی» هم از دیگر الزام‌های الگوی پیشنهادی است. مقصود از خودکفایی این است که جامعه بتواند نیازمندی‌های خود را در حد بالایی از رفاه تولید کند و ناگزیر به وارد کردن کالا از خارج نباشد. البته ممکن است ترجیح دهد بعضی از نیازهای خود را از خارج تأمین کند، به این سبب که هزینه تهیه آن در داخل بیشتر می‌شود و با وارد کردن آنها، این جامعه می‌تواند

امکانات خود را در راه مفیدتری به کار گیرد. در این صورت با خودکفایی ناسازگار نیست؛ زیرا جامعه، قدرت لازم را برای تولید آن کالا دارد. جامعه‌ای که توانایی تأمین نیازمندی‌های خود را در سطح عالی رفاه داشته باشد، خودکفا است؛ زیرا ممکن است کشوری به تولیدهای داخلی اکتفا کند، ولی وضعیت فقیرانه‌ای داشته باشد. در این حال، آن کشور خودکفا نیست، در خودکفایی توانمندی و اقتدار نهفته است، جامعه خودکفا، روی پای خود ایستاده و نیازمند و متکی به دیگر جوامع نیست. بژورن هتته معتقد است که در جوامع خوداتکا، از خود بیگانگی کمتری در کار خواهد بود، همبستگی با دیگران محکم‌تر می‌شود، توانایی مقاومت و ایستادگی افزایش می‌یابد، توان دفاع نظامی کشور افزایش پیدا می‌کند و رابطه مرکز و پیرامون به وضع و موقعیتی برابرتر تبدیل می‌شود (هتته، ۱۳۸۸: ۲۳۶).

(۸) «استقلال و عدم وابستگی» هم از دیگر ضرورت‌های طراحی الگوی مناسب برای کشور است. معنای استقلال، غیر از خودکفایی است. خودکفایی آن است که جامعه همه نیازهای خود را تأمین کند و نیازی به وارد کردن کالا از خارج نداشته باشد، اما استقلال به این معناست که در یک جامعه مستقل اقتصادی، ممکن است احتیاج به وارد کردن برخی کالاها وجود داشته باشد، ولی تأمین این نیازها از نظر سیاسی، به معنای وابستگی به جوامع دیگر نبوده، بلکه دو طرف در روابطی سالم، مناسبات اقتصادی خود را انجام دهند. البته معنای خودکفایی می‌تواند بیش از این باشد؛ یعنی یک جامعه خودکفا که می‌تواند همه نیازهای خود را هر چند با هزینه کمتر تأمین کند، ترجیح دهد برای استفاده بهتر از امکانات خود و صرفه‌جویی در ثروت ملی و پرهیز از وابستگی به دیگر کشورها، برخی کالاها را از خارج وارد نکند و خود اقدام به تولید داخلی آنها نماید (گزارش انصار، آذر ۱۳۸۹: ۳۱).

(۹) لزوم «رشد متوازن» یعنی تنها اگر در برخی ابعاد، رشد و حرکتی انجام شود، پیشرفت واقعی محسوب نمی‌گردد، بلکه این رشد باید در همه ابعاد و به شکل متوازن انجام پذیرد. رشد اقتصادی محدود در بعضی از ابعاد، مانند رشد بعضی اندام‌ها در بدن انسان است. اگر دست یا پای کسی رشد کند، اما سایر اندام‌های وی متناسب با آنها رشد نکنند، این رشد، واقعی نیست. رشد واقعی آن است که همه اندام‌ها، متوازن و متناسب با هم بزرگ شوند. بنابراین پیشرفت واقعی، باید در همه ابعاد و به‌طور متناسب و متوازن و در همه حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی (دفاعی) انجام شود. رشد متوازن و متناسب جمعیت همراه با بهره‌گیری عاقلانه و عادلانه از منابع سرزمینی و مصرف متوازن درآمدهای ملی در امور فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی از الزام‌های طراحی این الگو می‌باشد؛ چرا که مصرف عمده منابع ملی فقط در یکی از پنج محور فوق (برای مثال نظامی) و نداشتن توجه به چهار یا چند حوزه دیگر، موجب رشد نامتوازن و خروج نظام از تعادل خواهد گردید.

۷. سلسله‌مراتب برنامه‌ریزی توسعه در ج.ا.ایران و نیروهای مسلح

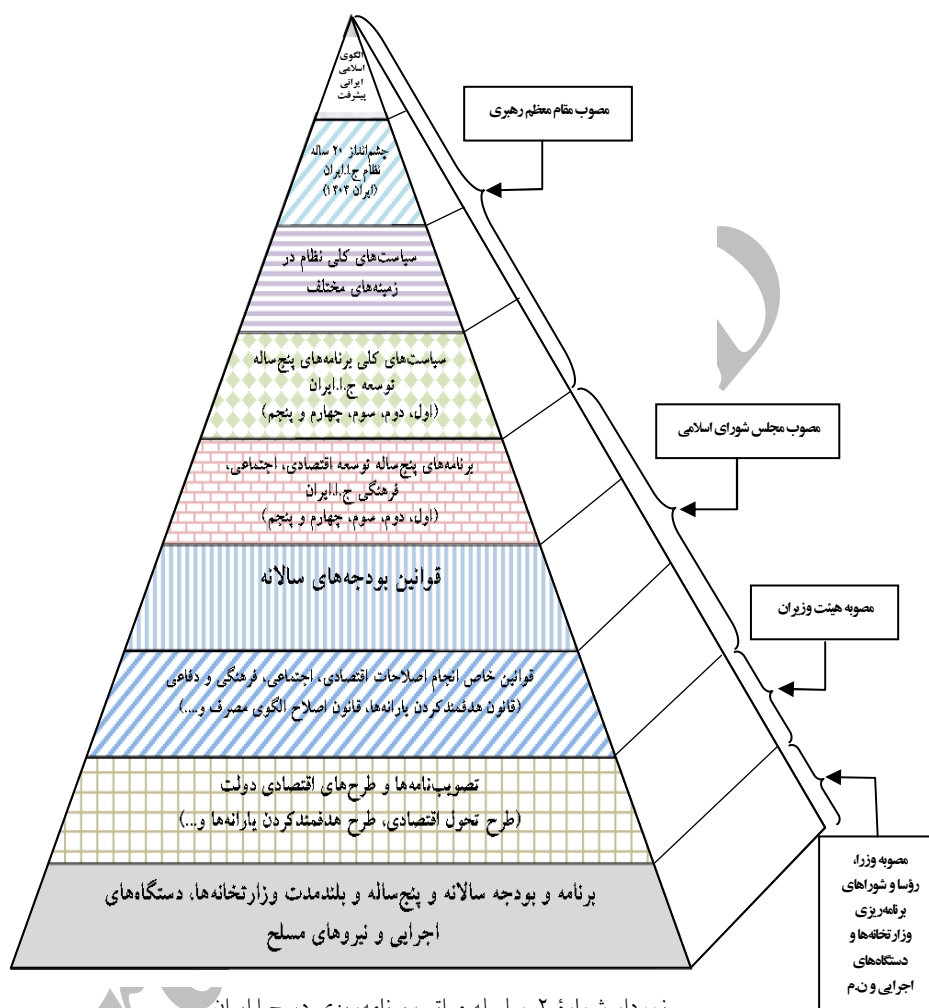
برنامه‌ریزی توسعه در کشور ایران سابقه‌ای طولانی دارد که به دهه ۱۳۲۰ بازمی‌گردد و اولین برنامه توسعه در کشور در سال ۱۳۲۷ توسط سازمان برنامه، تهیه و در مجموع شش برنامه توسعه، طراحی و اجرا گردید. پس از انقلاب اسلامی نیز تاکنون پنج برنامه پنج‌ساله توسعه، تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده که پنجمین آن قرار است از سال ۱۳۹۰ شروع و تا پایان سال ۱۳۹۴ به اجرا درآید. در کنار این برنامه‌ها، اسنادی تحت عنوان سیاست‌های کلی برنامه نیز توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهیه و به تصویب مقام معظم رهبری رسیده و ابلاغ گردیده است.

در کنار سیاست‌های کلی و برنامه‌های توسعه، پس از انقلاب اسلامی، سند چشم‌انداز برای «ایران سال ۱۴۰۴» نیز توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تهیه و به تصویب مقام معظم رهبری رسیده و ابلاغ گردیده است. افزون بر این سند، سیاست‌های کلی نظام در زمینه‌های مختلف از جمله مسکن، ایشارگران، اطلاع‌رسانی، فناوری ارتباطات، اصلاح الگوی مصرف، پدافند غیرعامل و... در سنوات گذشته و امسال توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهیه و به تصویب مقام رهبری رسیده است.

این اسناد همگی اسناد مربوط به چگونگی توسعه و پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دفاعی کشور در مقاطع پنج‌ساله و بلندمدت و ۲۰ ساله بوده‌اند. همچنین دولت و مجلس نیز برای آنکه بتوانند چارچوب حرکت نظام را در مقاطع کوتاه‌مدت‌تر نیز روشن نمایند، اقدام به تهیه و تصویب برنامه و بودجه سالانه (معروف به قانون بودجه سالانه) و قوانین خاصی که به تصویب مجلس رسیده‌اند (مانند قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، قانون اصلاح الگوی مصرف و...) نموده‌اند. دولت‌ها در کنار این قوانین و اسناد، اقدام به تهیه برنامه و بودجه سالیانه و پنج‌ساله و بلندمدت‌تر برای هر یک از وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی خود نموده و در کنار این برنامه‌های اجرایی برای توسعه و پیشرفت، طرح‌هایی مانند طرح تحول اقتصادی، طرح هدفمند کردن یارانه، و... را نیز در هیئت وزیران تصویب و به مرحله اجرا درآورده‌اند. این فرایند شامل نیروهای مسلح نیز گردیده و سازمان‌های نیروهای مسلح نیز ضمن بهره‌گیری و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های فوق، خود نیز اقدام به تهیه برنامه‌های بلندمدت، پنج‌ساله و سالانه نموده و آنها را پس از تصویب فرماندهی کل نیروهای مسلح یا ستادکل نیروهای مسلح یا شورای عالی امنیت ملی یا دیگر مراجع مربوطه در داخل یا خارج از نیروهای مسلح، به اجرا گذاشته‌اند.

اگر سلسله‌مراتب برنامه‌ریزی توسعه و پیشرفت در قالب یک الگو ترسیم گردد (نمودار شماره ۲) همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این الگو که سلسله‌مراتب

سیاست‌ها و برنامه‌های کلان و میان‌مدت تا برنامه‌های کوتاه‌مدت و سالانه در آن مشخص گردیده، جای برنامه‌های بلندمدت (۵۰ تا ۱۰۰ ساله) خالی است و به‌نظر می‌رسد با تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت برای کشور بتوان جای خالی این نوع برنامه‌ریزی‌ها را در رأس فرایند برنامه‌ریزی توسعه در کشور و البته در نیروهای مسلح پُر نمود و از آن به‌عنوان یک نقشه راه برای تدوین برنامه‌های کوتاه‌مدت‌تر و میان‌مدت‌تر برای همه دستگاه‌های اجرایی از جمله سازمان‌های بخش دفاع، بهره‌گیری نمود. در این خصوص رهبر معظم انقلاب در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی در مورخ ۸۹/۹/۱۱ فرمودند: «این الگو سندی بالادستی برای همه اسناد برنامه‌ای و چشم‌انداز کشور خواهد بود» و با تهیه این سند می‌توان جای خالی نقشه راه بلندمدت نظام ج.ا.ایران و نیروهای مسلح را پُر نمود. در این باره و به جهت تأثیری که این سند بر چگونگی توسعه آینده نیروهای مسلح و شکل‌گیری بخش دفاع در بلندمدت دارد، سازمان‌های نیروهای مسلح نیز باید نسبت به تهیه این سند و الگوی پیشرفت آینده جمهوری اسلامی ایران و توسعه متوازن نیروهای مسلح آن، حساسیت لازم را به خرج دهند.



۸. نقش نیروهای مسلح در تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

همان‌گونه که در بخش‌های پیشین این مقاله اشاره شد، توسعه در معنای کلی به تحول در پنج زیرمجموعه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی (دفاعی)

توجه دارد. این به معنای آن است که در توسعه و پیشرفت یک کشور نباید فقط به مسائل غیرنظامی توجه داشت و مسائل نظامی و دفاعی هم در توسعه ملی و پیشرفت کشور نقش دارند و یکی از محصولاتی که هر الگوی توسعه و پیشرفت باید تولید نماید، الگوی دفاعی برای آن کشور است. پیامد این امر آن است که نظامیان و نیروهای مسلح نیز در توسعه و پیشرفت کشورها نقش و وظیفه اساسی دارند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که اگر قرار است الگویی برای پیشرفت و توسعه ۵۰ تا ۱۰۰ ساله آینده ج.ا.ایران ترسیم گردد، باید نقش و تأثیر مسائل دفاعی و نظامی را در آن لحاظ نمود و دیدگاه‌های نظامیان و دست‌اندرکاران بخش دفاع نیز مورد توجه قرار گیرد.

مهم‌ترین تجربه تأثیر مسائل نظامی و دفاعی در توسعه و پیشرفت کشور در دوران معاصر موضوع جنگ تحمیلی و دفاع مقدس ملت ایران در برابر نیروهای بعثی عراق می‌باشد، به گونه‌ای که همگان شاهد بودند که آثار و پیامدهای مسائل نظامی چگونه می‌تواند برای پیشرفت و توسعه کشور تأثیر مستقیم بگذارد. این آثار و پیامدها چه در دوران هشت ساله دفاع مقدس مشهود بوده است و چه در دوران سازندگی و بازسازی خرابی‌ها و اقتصاد کشور در سال‌های پس از خاتمه جنگ تحمیلی تأثیرگذار بوده است. به این معنا که بخش زیادی از منابع انسانی و سرمایه‌های مالی، و فیزیکی کشور در طول آن دوران صرف امور دفاع از کشور و بازسازی خرابی‌های آن گردید. این واقعیت نشان می‌دهد که اگر کشور در آینده به دنبال رشد، توسعه و پیشرفت بیشتری می‌باشد، نباید فقط به مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور پرداخته شود و برنامه‌ریزان و سیاستگذاران باید به مباحث دفاعی، نظامی و امنیتی هم بهای لازم را بدهند؛ چرا که تجربه جنگ تحمیلی نشان از تأثیر متقابل توسعه و پیشرفت با مقوله ثبات و امنیت در کشور دارد.

از سوی دیگر صاحب‌نظران بر این اعتقاد می‌باشند که «قدرت»، عامل اصلی در علم سیاست و روابط بین‌الملل است و به عنوان ابزاری برای دولت‌ها برای اجرای راهبردها

و سیاست‌های آنها در دستیابی به هدف‌های توسعه و پیشرفت است. دولت‌ها بدون قدرت، الگوی دفاعی مناسبی را نمی‌توانند طراحی و تعریف نمایند و با داشتن انواع قدرت‌های نرم، سخت و نیمه‌سخت می‌توانند خدمات دفاعی و الگوی دفاعی مناسب را طراحی نمایند و در سایه این الگوی دفاعی، الگوی مطلوب توسعه و پیشرفت کشور خود را طراحی و به اجرا درآورند. در الگوی دفاعی، نقش مردم و چگونگی مشارکت و همکاری آنها نیز بسیار مهم است و چون نیروهای مسلح در مقاطع بحرانی جنگ و حملات نرم و سخت دشمن باید هم حافظ مردم باشد و هم آنها را برای مقابله با دشمن سازماندهی کند. به عبارتی الگوی پیشرفت مطلوب باید در درون خود، الگوی دفاعی مطلوب را ارائه دهد؛ به گونه‌ای که با وقوع پیشرفت و توسعه متوازن در تمام بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در بخش دفاعی نیز توسعه‌ای هماهنگ با سایر بخش‌ها به وقوع بپیوندد که نتیجه آن، یک نظام دفاعی هوشمند همه‌جانبه خواهد بود که در آن، هم نظامیان و متولیان بخش دفاع و هم غیرنظامیان و متولیان بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، طراحی و اقدام‌های لازم را در جهت توسعه و پیشرفتی متوازن و هماهنگ انجام خواهند داد. بنابراین «الگوی دفاعی» و «الگوی پیشرفت» بر هم تأثیر متقابل دارند و این مهم نقش نیروهای مسلح را در مشارکت و همکاری در طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت دوچندان می‌نماید.

۹. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به مطالبی که در این مقاله ارائه گردید و ابعاد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از مفهوم گرفته تا جایگاه آن در سلسله‌مراتب برنامه‌ریزی در ایران بررسی گردید، ضمن تأکید بر اینکه نیروهای مسلح نیز برای طراحی «نظام دفاعی هوشمند همه‌جانبه» در چارچوب «الگوی دفاعی» مناسب برای ج.ا.ایران، باید با مجموعه دست‌اندرکاران دیگر نظام، که در طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نقش

خواهند داشت، همکاری‌های لازم را نموده و نقش مناسبی را ایفا نمایند. به این منظور پیشنهادهایی کاربردی برای چگونگی مشارکت و همکاری بخش دفاع با طراحان این الگو به شرح زیر ارائه می‌گردد تا زمینه‌ساز دیگر اقدام‌های لازم برای این مهم باشد:

(۱) جهت تهیه الگوی اسلامی - ایرانی ضرورت دارد در مجمع تشخیص مصلحت نظام (که مسئولیت تدوین سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام را نیز به عهده داشته است) کارگروهی مرکب از نمایندگان مجمع تشخیص مصلحت نظام و قوای مقننه، مجریه و قضائیه و نیروهای مسلح تشکیل و مسئولیت تدوین پیش‌نویس الگوی مزبور به این کارگروه سپرده شود. با توجه به آنکه مقام معظم رهبری، خودشان روی این موضوع فعال و حساس می‌باشند، بنابراین لازم است پس از تدوین پیش‌نویس در مجمع، گروه مشاوران که زیر نظر ایشان کار تدوین سند را دنبال می‌نمایند، بررسی نهایی را جهت تصویب نهایی انجام دهند.

(۲) در سطح ستادکل نیروهای مسلح و به ریاست رئیس ستادکل نیروهای مسلح یا جانشین ایشان، کارگروهی مرکب از فرماندهان و مدیران ارشد نیروهای مسلح تشکیل و مسائل مرتبط با نیروهای مسلح که باید در الگوی مزبور مورد نظر قرار گیرد، را جمع‌بندی و به کارگروه اصلی انتقال دهد.

(۳) برای کمک به تهیه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت لازم است که در سطح سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه یعنی در همه وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی، کارگروه‌های تدوین الگو تشکیل گردد. به همین دلیل نیز ضرورت دارد که در همه سطوح اصلی نیروهای مسلح کارگروه‌هایی تشکیل و طرح‌های پیشنهادی خود را تهیه و به کارگروه اصلی که در ستادکل نیروهای مسلح تشکیل می‌گردد، ارائه نمایند.

(۴) دبیرخانه این کارگروه‌ها در سطح ستادکل نیروهای مسلح، ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و

نیروی انتظامی در معاونت‌های طرح و برنامه این سازمان‌ها و زیر نظر مستقیم فرماندهان و مدیران ارشد آنها تشکیل گردد.

(۵) با توجه به آنکه تجربیات امور نظامی، دفاعی کشورها در جنگ‌ها، اندوخته‌ای گرانسنگ است که قابل تکرار نمی‌باشد و یا تکرار آن برای ملت‌ها بسیار پرهزینه می‌باشد و به جهت آنکه در رویدادی به نام «جنگ» همه ارکان یک نظام درگیر آن می‌گردند و جنگ تأثیر فراوانی بر توسعه و پیشرفت هر کشور می‌گذارد، بنابراین پیشنهاد می‌شود از تجربیات ارزنده دوران دفاع مقدس در تدوین ملاحظه‌های بخش دفاع که باید در الگوی مزبور استفاده گردد، بهره‌گیری لازم انجام پذیرد و این امر در دستورکار همه کارگروه‌های مربوطه قرار داده شود.

(۶) از تجربیات موفق و ناموفق در برنامه‌ریزی توسعه در پیش و پس از انقلاب اسلامی در ج.ا.ایران و سازمان‌های بخش دفاع و همچنین تجربیات مشابه در کشورهای دیگر از طریق انجام مطالعات تطبیقی، بهره‌گیری لازم انجام شود.

منابع و مآخذ

۱. منابع فارسی

۱. اداره کل قوانین و مقررات کشور (پائیز ۱۳۷۷)، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، نهاد ریاست جمهوری، اداره چاپ و انتشار اداره کل قوانین و مقررات کشور.
۲. ازکیا، مصطفی، (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران، مؤسسه نشر علم.
۳. افروغ، عماد، (مصاحبه با روزنامه جام جم)، (۱۳۸۹/۱۲/۸)، *پیشرفت با عقلانیت غیرانزاری*، جام جم آنلاین.
۴. پایگاه اطلاع‌رسانی اینترنتی مقام معظم رهبری (www.khamenehey.ir)
۵. تودارو، مایکل (۱۳۳۹)، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، سازمان برنامه و بودجه، چاپ دوم.
۶. حدادعادل، غلامعلی (۱۳۸۹/۹/۱۱)، *ویژه‌نامه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، خبرگزاری فارس*، سخنرانی در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی.
۷. دیوب، شی یاماچاران (۱۳۸۶)، *نوسازی و توسعه در جست‌وجوی قالب‌های فکری بدیل*، ترجمه احمد موثقی، تهران، نشر قومس، چاپ دوم.
۸. سیف، ا...مراد (شهریور ۱۳۸۹)، *ارزیابی راهبردی مدیریت توسعه اقتصادی کشور جمهوری اسلامی ایران (آسیب‌شناسی و پیشنهاد الگوی مناسب)*، *مجله علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع)*، مدیریت ولایی، شماره ۷۹.
۹. شبان‌نیا، قاسم (بهار و تابستان ۱۳۸۹)، *رابطه عدالت و پیشرفت در دولت دینی از منظر محمدتقی مصباح‌زیدی، دوفصلنامه علمی - تخصصی معرفت سیاسی*، شماره ۳.
۱۰. عظیمی آرانی، حسین (۱۳۸۳)، *ایران امروز در آئینه مباحث توسعه*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. عمید، حسن (۱۳۸۱)، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و پنجم.
۱۲. قاضی‌زاده‌فرد، سیدضیاء‌الدین (بهار ۱۳۸۸)، *ویژگی‌های برنامه‌ریزی راهبردی در سازمان‌های نظامی*، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، شماره ۲۴.
۱۳. قالیباف، محمدباقر (بهار ۱۳۸۹)، *ایران و دولت توسعه‌گرا*، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم.
۱۴. کلمن، دیوید و فرد نیکسون (۱۳۷۸)، *اقتصادشناسی توسعه‌نیافتگی*، ترجمه غلامرضا آزاد، تهران، وثقی.
۱۵. گزارش، (آذر ۱۳۸۹)، *ویژگی‌های اقتصاد در جامعه اسوه اسلامی*، ماهنامه بانک انصار، شماره ۱۳۹.
۱۶. معروفی، شهره (۲۰ دی ۱۳۸۹)، *توسعه اقتصادی چیست؟، اخبار اقتصاد و دارایی*، هفته‌نامه وزارت اقتصاد و دارایی، شماره ۳۲۶.

۱۷. معین، محمد (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی شش جلدی دکتر محمد معین*، تهران، انتشارات امیرکبیر، جلد اول، چاپ هشتم.

۱۸. نویخت، محمدباقر (مصاحبه با روزنامه جام جم)، (۱۳۸۹/۱۰/۲۶)، *الگوی اسلامی - ایرانی، راه رسیدن به جامعه آرمانی، جام جم آنلاین*.

۱۹. هتته، بزورن (۱۳۸۸)، *تئوری توسعه و سه جهان*، ترجمه احمد موثقی، تهران، نشر قومس، چاپ دوم.

۲. منابع انگلیسی

1. www.wikipedia.com

Archive of SID